

حکایت عمر

گزیده یلدا داشت ها و خاطرات

آیت الله سید ابوالحسن مولاناقدس سره

به اهتمام سید محمد جواد مولانا

سرشناسه : مولانا، ابوالحسن، ۱۳۰۳ -
 عنوان و نام پدیدآور : حکایت عمر: گزیده یادداشت‌ها و خاطرات آیت‌الله سید ابوالحسن مولانا قدس سره
 مشخصات نشر : تبریز: نور ولایت، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری : ۱۰۸ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
 شابک : 978-964-8815-52-8
 وضعیت فهرست‌نویسی : فبای مختصر
 یادداشت : این مدرک در آدرس <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.
 شناسه افزوده : آل مولانا، سید محمد جواد، ۱۳۵۹ - گردآورنده
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۰۷۷۲۶



حکایت عمر

گزیده یادداشت‌ها و خاطرات آیت‌الله سید ابوالحسن مولانا قدس سره.

به اهتمام سید محمد جواد مولانا

رقعی ۱۰۸ صفحه - چاپ اول بهار ۱۳۹۴ - شمارگان ۲۰۰۰ نسخه

امور اجرایی: کانون تبلیغاتی نعلین

خوشنویسی روی جلد: استاد فریدود

حروفچینی و صفحه‌آرایی: آذین کامپیوتر

لینوگرافی: نگین - چاپ الوند و آذرآبادگان - صحافی: باندا

حق چاپ برای بیت مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن مولانا محفوظ است.

بانی نشر جناب آقای حاج حسن روزنیک در احسان مرحوم والدش (مرحوم آقای حاج احمد روزنیک)

انتشارات نور ولایت

بنیاد فرهنگی و خیریه نیمه شعبان مسجد آیت الله انجلی تبریز

تلفن ۳۵۲۳۷۰۰۲ - نمابر ۳۵۲۳۷۴۲۱

www.Shamevelayat.com

info@Shamevelayat.com

شابک: ۸ - ۵۲ - ۸۸۱۵ - ۹۶۴ - ۹۷۸

فهرست

۷	مقدمه
۱۵	من افادات سیدنا البروجردی قدس سره
۱۶	سه مرتبه به یاد دارم حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره)
۱۶	درس را قطع کردند
۱۸	مال را صایع می کنید
۲۰	هر چیز اندازه دارد
۲۱	حضرت آقا زحمت کشیده بودی
۲۳	قبل از من در حمام بودند
۲۵	موت اختیاری
۲۷	از خواب برخیز
۲۹	آب ملخ
۳۰	طریق استخاره شیخ انصاری (قدس سره)
۳۲	«أنا فی مکانه لا فی امکانه»
۳۳	خواهش من این است که تکذیب نکنی
۳۴	خاطره جالب از آیت الله العظمی آقای انگجی قدس سره
۳۷	حلال کردم
۳۹	آیت الله حاج سیدیونس اردبیلی
۴۲	سبب ترجمه کفایة الاصول به فارسی
۴۴	علل تبعید علمای تبریز توسط رضاشاه
۴۶	افطار روزه به مجرد استتار قرص خورشید
۴۷	قضیه ای جالب فیما بین علامه طباطبائی و خودم
۴۹	آیت الله العظمی حجت کوهکمری به بیان علامه طباطبائی قدس سرهما
۵۰	تبعید علمای بزرگ تبریز به کردستان
۵۲	آیت الله داماد خیلی سخت گیری می کردند
۵۴	واقعاً کرامت است
۵۶	رجال آیت الله العظمی حجت (ره) بسیار قوی بود
۵۷	خاطره ای از آیت الله حاج سید محمد تقی خوانساری قدس سره

۵۸.....	خاطره‌ای از آیات عظام بروجردی و حجت قدس سرهما
۶۰.....	خاطره‌ای از علامه طباطبائی قدس سره
۶۲.....	کرامتی از آیت‌الله سیدمحمد فشارکی
۶۵.....	یادی از مرحوم علامه میرزا عباسقلی واعظ چرندابی (ره)
۶۷.....	رضاشاه چیزی نگفت
۶۸.....	معلوم شد جاسوس است
۷۱.....	ارزش دادن به تقوا و کمالات
۷۳.....	درخواستی از شیخ مؤسس در قالب لطیف و جواب آن بزرگوار
۷۶.....	نکاتی از محضر آیت‌الله میرزا عبدالله مجتهدی
۷۸.....	عنایت رضوی
۸۰.....	دعای «یا من تحل به عقد المکاره»
۸۳.....	تعبیر زیبایی یک خواب
۸۴.....	مکافات عمل
۸۶.....	آرزومند شغل آبرومند
۸۷.....	لطف پروردگار
۸۸.....	فاتحه اقامه شد
۸۹.....	تعداد سفر به مکه مکرمه
۹۱.....	مکاتبه آیت‌الله مولانا با آیت‌الله تجلیل (قدس سرهما)
۹۴.....	از این عمل نباید غفلت کرد
۹۶.....	دست یاری به سوی قرآن در حال دلنگی
۹۹.....	برکت ائمه طاهرین (ع) خلوص نیت است
۱۰۱.....	نکته‌ای تاریخی
۱۰۲.....	قوم مذموم
۱۰۳.....	نکته‌ای از تاریخ قم
۱۰۴.....	فرزند شهیدم
۱۰۷.....	در مرثیه فرزندانم شهید سیدحسین آل مولانا قدس سره سرودهام

مقدمه

از جمله نمایانگر پیشرفت تمدن‌های مختلف نقل و انتقال حالات و سیر اتفاقات سیری شده بر آنان بوده است.

در ایران باستان اولین اثر تاریخی مکتوب که می‌توان از آن نام برد «خداینامه‌ها» هستند که در آن نام پادشاهان سلسله‌های ایرانی و وقایع دوران‌های مختلف را آمیخته با افسانه ضبط کرده بودند. این خداینامه‌ها نه تنها حوادث زمان پادشاهان را در برداشته بلکه در آن خطایه‌ها و کلمات قصار و وصایای آنان نیز ذکر شده بود.

اصل خداینامه‌ها به زبان پهلوی در دست نیست، اما در دوران اسلام خداینامه با عنوان‌هایی مانند سیرالملوک و یا سیر ملوک‌الفرس و غیره به عربی ترجمه شده است. تدوین خداینامه‌ها را باید به زمان اتوشیروان منسوب داشت که دوران تألیف و ترجمه و نهضت ادبی بوده است.

در این زمان (ساسانیان) بر اساس دفاتر رسمی - که آگائياس مورخ بیزانسی قرن ۶ میلادی که هم زمان انوشیروان بوده و از آنها استفاده کرده - و با استفاده از سنت‌های شفاهی و رسالات جداگانه‌ای که در مطالب گوناگون مرتبط با تاریخ از قبیل نسب‌نامه‌ها و فهرست جنگ‌ها یا شهرها و وقایع مربوط به آنها وجود داشته، خداینامه تدوین شد.

تدوین‌کنندگان خداینامه، دبیران شاهی و مؤبدان بوده‌اند.

هم‌چنین در دربار ساسانیان کسانی بوده‌اند که روایات تاریخی را افسانه‌وار ازیر داشته‌اند. در روم و یونان نیز تا پیش از سده پنجم میلادی از نظر تاریخ‌نگاری و ثبت وقایع، یونانیان فقط اشعار حماسی و سروده‌های اساطیری را می‌شناختند.

در یونان، نخستین اثر تاریخی که نگاشته شد کتاب تواریخ هرودوت است که اولین تاریخ جهان به شمار می‌آید که در باره آداب و رسوم اقوام و ملیت‌های گوناگون سخن گفته است.

هرودوت را سیسرون سخنور نامدار رومی پدر تاریخ نامیده است ولی در عین حال به افسانه‌گری او هم اشاره کرده است.

تاریخ هرودوت که اصل هدفش ماجرای جنگ‌های ایران و روم - جنگ‌های مدیک - و مقدمات و مقرونات آنهاست، غالباً حوادث مربوط به یونان فنیقیه، مصر و شرق مدیترانه را در بر می‌گیرد که برای عصر او می‌شود تقریباً تمام جهان.

و بدین گونه کتاب او می شود اولین تاریخ عمومی جهان.
اما، اولین مورخ بزرگ یونان «توسیدید» بود که به پدر تاریخ علمی جهان ملقب است و کتاب وی در باره جنگ های آتی و اسبارت که در واقع تاریخ عصر خود اوست یک اثر هنرمندانه به شمار می آید.

مورخ بزرگ دیگری که در یونان و روم پدید آمد، پولی بیوس بود که تاریخ او با نام هایی چون تاریخ روم یا تاریخ عمومی روم پولی بیوس مشهور است.

در میان عرب های جاهلی نیز آنچه از نوع تاریخ وجود داشت، انسب قبایل و ایام و حروب بود که با شعر و قصه آمیخته بود.
مردم عرب دوره جاهلی، رویدادهای مهم خویش را که عبارت از مفاخرات و تعصبات قومی و ستیزه جویی های قبیله ای بود، تحت عنوان ایام العرب حفظ می کردند و به طور شفاهی به نسل های بعد انتقال می دادند.

ایام العرب عمدتاً برای سرگرمی بود و بیش تر جنبه ادیبانه داشت اما به جهت پرداختن به رویدادهای مهم، مشتمل بر عناصر تاریخی نیز بود.

هم چنین، نسبت به اخبار خاصه، آنچه مربوط بود به احوال سواران و دلاوران و شاعران و خطیبان، غالباً اظهار علاقه می کردند و نقل این گونه اخبار که رنگ قصه و شعر داشت نزد آنها

شورانگیز بود و جالب.

با این مقدمه، آنچه که به دست می‌آید این‌که توجه و نگارش وقایع و گزارشات در پیشینیان نیز موجود بود. ولی غالب آن‌ها عبارت بود از توجه به مفاخرات و افسانه‌گویی‌ها. اما، با ظهور اسلام و نزول وحی توجه به تاریخ از منظر دیگری مورد توجه و تأکید قرار گرفت و آن عبارت بود از پندپذیری از حالات گذشتگان.

تا آنجا که می‌توان گفت یک سوم آیات قرآن در اشاره و سفارش به تدبیر در حالات گذشتگان نازل شده است.

لقد كان في قصصهم عبرة لاولي الالباب^۱

(در داستان ایشان عبرتی است برای خردمندان).

بدین‌گونه با ترغیب آموزه‌های قرآنی و روایات اسلامی توجه به تاریخ نهادینه شد.

در بسیاری از آیات قرآن کریم سرگذشت انبیاء و سرنوشت اقوام و پیروان و علل شکست و انحطاط یا شکوفایی و رستگاری آن‌ها آمده است.

مقصود از این قصص قطعاً داستان‌سرایی و نقل صرف رویدادهای گذشته نبوده و از این‌رو هیچ سرگذشتی با جزئیات آن

نقل نشده است، بلکه نکاتی مایه تأمل و دقت و یا آموزنده حکمت و موعظه یا سنت الهی و ارائه شواهدی از تجارب انسان گذشته برای پند گرفتن و یافتن راه درست زیستن و سعادت دنیوی و اخروی آمده است.

اهمیت این موضوع تا آنجاست که امیرمؤمنان در نامه‌ای به فرزند خویش امام حسن (ع) می‌فرمایند:

پسر، درست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، اما در کردار آن‌ها نظر افکنده‌ام و در اخبارشان اندیشیده‌ام و در آثارشان سیر کرده‌ام، تا آنجا که گویی یکی از آنان شده‌ام، بلکه با مطالعه تاریخ آنان، گویا از اول عمر تا پایان عمرشان با آنان بوده‌ام.

پس قسمت‌های روشن و شیرین زندگی آنان را از دوران تیرگی شناختم و زندگانی سودمند آنان را با دوران زیانبارشان شناسایی کردم.

(نامه ۱۳۱ بهج البلاغه)

و با این تأکیدات است که در دوران رشد و شکوفایی تمدن اسلامی یکی از دانش‌های مسلمین علم تاریخ گردید و علاقه مسلمین به تاریخ تا بدان جا رسید که بنا به گزارش حاجی خلیفه نویسنده کشف الظنون از شمار ۱۸۵۰۰ کتابی که مسلمین تا آن زمان (سده یازدهم) به نگارش درآورده بودند، ۱۳۰۰ جلد آن به تاریخ و تاریخ‌نگاری اختصاص یافته بود. به هر حال، مسلمین در

تاریخ کتاب‌های بسیاری به وجود آوردند و هیچ قومی پیش از آغاز عصر جدید در این رشته به پایه مسلمین نرسیده است.

به یقین گذراندن یک عمر در میان قشرها و نظام‌های مختلف و شاهد وقایع گوناگون بودن، انسان را با هشدارها و نصایحی مواجه می‌سازد که کسب تجربه از این رخدادها برای هر جویای سعادت قطعاً مفید فایده و سودمند خواهد بود.

بی‌شک نشر یادداشت‌ها و رویدادهای ثبت شده در ادوار مختلف که توسط تاریخ‌نگاران و فرهیختگان متقی صورت گرفته است از آن جهت که بدون حبّ و بغض و فقط جهت پندگیری و ماندگاری در تاریخ انجامیده می‌تواند از استناد و ارزش خاصی برخوردار باشد و به عنوان میراث گرانقدری برای آیندگان به حساب آید.

از جمله علما و فرهیختگانی که به نگارش حوادث و خاطراتی که خود شاهد آن بود یا از افراد مورد وثوق و اطمینان شنیده و ثبت نموده است مرحوم والد آیت‌الله حاج سید ابوالحسن مولانا اعلی‌الله مقامه می‌باشند که در طول زمان‌های مختلف به نگارش آن‌ها پرداخته است.

از میان آن یادداشت‌ها، بنابراین شد که تعدادی جهت نشر و استفاده همگانی انتخاب گردد تا از باب «و تدبروا فی احوال الماضین من المؤمنین قبلکم». (نهج البلاغه خطبه ۱۹۲) چراغی باشد در

راه تدبیر و بهره‌گیری از حالات نیاکان.

در پایان بر خود وظیفه می‌دانم از زحمات جناب آقای
حاج حسن روزنیک که متقبل هزینه این کتاب در احسان والد
ارجمندشان مرحوم آقای حاج احمد روزنیک گردیدند کمال تشکر
و قدردانی را بنمایم.

حوزه علمیه قم

سید جواد مولانا

۲ / اسفند / ۹۳

www.ketab.ir